

زبان و ادب فارسی

نشریه دانشکده ادبیات و

علوم انسانی دانشگاه تبریز

سال 53، بهار و تابستان 89

شماره مسلسل 215

نسخه مثنوی مورخ 677 قونیه و چاپ‌های متعدده مبتنی بر آن*

دکتر رحمان مشتاق‌مهر**

چکیده

در میان متون بی‌شمار ادب فارسی، مثنوی مولانا جزو نادر متن‌هایی است که از لحاظ باقی ماندن نسخه‌های معتبر و اهتمام به تصحیح آن، خوش‌فرجام و دوست‌کام بوده است. زمانی که نیکلسون به تصحیح آن همت گماشت و مجلدات نخستین آن را چاپ کرد (1925) هنوز بسیاری از متن‌های مهم، ناشناخته در گوشه کتابخانه‌ها گرد و خاک می‌خوردند. با اینکه نیکلسون قبل از شروع به کار تصحیح، سعی کرده بود همه نسخه‌های معتبر شناخته شده را گرد آورد ولی در حین تصحیح بود که به وجود نسخه‌هایی از قرن هفتم و نزدیک به زمان آفرینش متن پی برد که یکی از آنها نسخه مورخ 677 محفوظ در موزه آرامگاه مولانا در قونیه بود. نیکلسون بعد از دریافت و ارزشیابی نسخه به اهمیت آن پی برد و در چاپ دفتر سوم به بعد آن را اساس قرارداد و برای نشان دادن تفاوت‌های ضبط آن با دو دفتر 1 و 2 ضمیمه‌هایی افزود.

این نسخه در سال 1371 به همت نصرالله پورجوادی و متخصصان فنی مرکز نشر دانشگاهی و همکاری توفیق سبحانی به صورت عکسی (فاکسیمیل) به چاپ رسید و در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان مولوی قرار گرفت. به جهت جایگاه بی‌بدیل این نسخه در حفظ صورت و قرائت درست مثنوی، چند تن از مثنوی پژوهان همزمان اقدام به چاپ آن کردند.

این مقاله هزار و سیصد بیت آغازین دفتر اول را در شش چاپ مبتنی بر تک نسخه قونیه - که گاهی ضبط‌های چاپ نیکلسون را نیز به عنوان نسخه بدل در حاشیه افزوده‌اند - مقایسه و با چاپ عکسی مقابله کرده و اختلاف‌ها را بیت به بیت آورده است. این اختلاف‌ها به قرائت متفاوت از ضبطی واحد، اختلاف سلیقه مصححان در حفظ یا تغییر شیوه خط و طرز تلفظ کلمات، بی‌دقتی در مراحل حروف‌چینی و اغلاط چاپی و... مربوط می‌شود.

این مقابله نشان داده است که در چاپ‌های اخیر، در قرائت متن بیش از آنکه چاپ عکسی مورد مراجعه باشد، به چاپ‌های حروفی قبلی نسخه قونیه و نیکلسون مراجعه شده است.

واژه‌های کلیدی: مولانا، مولوی، مثنوی، تصحیح متن، نسخه قونیه، نیکلسون.

*- تاریخ وصول: 88/2/2 تأیید نهایی: 88/7/11

** - دانشیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

مقدمه

در میان شاهکارهای ادب فارسی، مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی (604-672هـ) نخستین اثری است که با روش انتقادی جدید تصحیح و تنقیح شده و به طبع رسیده است. این کار مهم، حدود نیم قرن پیش توسط محقق فقید انگلیسی رینولد نیکلسون (1868-1945 م.) انجام گرفت (نیکلسون، 1363، پیشگفتار چاپ فارسی از پورجوادی، پنج).

نسخه‌هایی که نیکلسون در بدایت امر به‌دست آورد همه متعلق به قرن هشتم هجری بود و قدیم‌ترین آنها که شامل همه دفترهای ششگانه بود به سال 718 هجری یعنی تقریباً نیم قرن پس از وفات مولانا استنساخ شده بود. مصحح انگلیسی با همین نسخه‌ها، حدود ثلث اشعار را تصحیح کرد و متن دو دفتر اول و دوم را در سال 1925 به چاپ رسانید. پس از انتشار این مجلد و در میان چاپ دفترهای سوم و چهارم چند نسخه خطی متعلق به قرن هفتم به دستش رسید که از همه آنها مهم‌تر، نسخه معروف قونیه با تاریخ کتابت 677 هجری بود. از آن به بعد، نیکلسون تصحیح مثنوی را براساس این نسخه‌ها و به‌خصوص نسخه قونیه قرارداد (همان، شش). تنها نقص کار او این است که دفترهای اول و دوم و قسمتی از دفتر سوم براساس نسخه قونیه نبوده و با نسخه‌های دیگر قرن هفتم مقابله نشده است؛ اما نیکلسون حتی این راه باقیمانده را که خود نتوانست طی کند در اثر خود مشخص نمود. وی اختلاف نسخه‌های جدیدالاکتشاف را در مورد قسمت‌های اولیه، دقیقاً معلوم کرد و آنها را در ضمیمه‌ها (Appendix I & II) ضبط کرد و لذا راه را به محققان بعدی نشان داد (همان). خود نیکلسون در آغاز جلد دوم که حاوی دفترهای سوم و چهارم است درباره نحوه آگاهی از نسخه قونیه و اهمیت آن چنین می‌گوید: در همین احوال (بعد از چاپ دفترهای اول و دوم)، دکتر ریتر خبر داد که یک نسخه کامل دیگر با تاریخ 677 هجری وجود دارد. این نسخه که احتمالاً قدیم‌ترین و معتبرترین نسخه موجود مثنوی است، در موزه آثار عتیقه جنب مزار مولانا در قونیه نگهداری می‌شود. این خبر باعث شد که من درصدد تهیه عکس نسخه قونیه برآیم... سرانجام عکس آن نسخه به دستم رسید. در آن هنگام دفترهای سوم و چهارم به مطبوعه فرستاده شده بود و موقعی اولین عکس‌ها به دستم رسید که بیش از نیمی از دفتر سوم چاپ شده بود. بالتبلیغه دفتر سوم مثنوی تا بیت 2835 براساس نسخه قسطنطنیه

تصحیح شده که تاریخ کتابت آن 686 است و من آن را نسخه H خوانده‌ام اما مابقی تقریباً عیناً مطابق نسخه قونیه است که تاریخ آن 677 هجری است و من آن را نسخه G خوانده‌ام. اختلافات قرائت نسخه G مربوط به نیمه اول دفتر سوم را در ضمیمه دوم (Appendix II) ذکر کرده‌ام (نیکلسون، 1363، جلد دوم، پنج).

در معرفی نسخه قونیه در همان پیشگفتار اول دفتر سوم، چنین آمده است: این نسخه عالی که دکتر ریتر آن را «یک نسخه با عظمت» خوانده است، مشتمل بر شش دفتر مثنوی است و در صفحه آخر آن گفته شده است که این نسخه از روی نسخه اصلی مثنوی که پس از تصحیح و تنقیح برای خود مولانا و خلیفه‌اش (حسام‌الدین) خوانده شده، استنساخ شده است. کاتب این نسخه، محمد بن عبدالله القونوی در روز دوشنبه در ماه رجب 677 هجری، کتابت نسخه را به پایان رسانیده است. نهایت دقت در رسم‌الخط به عمل آمده است. حروف ب و پ، ح و چ و خ و ک و گ هر جا که ضرورت ایجاب می‌کرده به طور متمایز نوشته شده، اشعار عربی و بسیاری از کلمات فارسی و عربی و ترکی اعراب‌گذاری شده، علامت سکون و کسره اضافه در موارد بسیار و نقطه ذال منقوطة همه‌جا گذاشته شده است. تعداد اصلاحات دیگران در حواشی بسیار کم است (همان). براهمیت و ارزش نسخه قونیه در اول جلد سوم (حاوی دفترهای پنجم و ششم) نیز تأکید شده است. نیکلسون یک بار دیگر بعد از ارزیابی نسخه‌های در دسترس خود- که مهم‌ترین و معتبرترین نسخه‌های خطی مثنوی در سراسر جهان بوده‌اند- و ذکر آشفتگیها و اختلافات آنها، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: در وضعی که هستیم همان بهتر که روایت G را اختیار کنیم؛ زیرا که نسخه مزبور فوق‌العاده معتبر است و در همان دهه‌ای نوشته شده که آخرین دفترهای مثنوی سروده شده است (همان، سیزده).

«این نسخه با عظمت» که نیکلسون بعد از انتظاری طولانی و به پایمردی چند تن از جمله هلموت ریتر به نسخه‌ای عکسی از آن دست یافت، در سال 1371 به همت نصرالله پورجوادی و متخصصان فنی مرکز نشر دانشگاهی و همکاری توفیق سبحانی، عیناً به صورت عکسی (فاکسیمیله) چاپ و به بهایی اندک که تقریباً قیمت یک دوره متن چاپی مثنوی بود، در اختیار همگان قرار گرفت.

نصراالله پورجوادی در مقدمه‌ای که بر این چاپ نوشته، تقریباً با لحن غیرمنصفانه‌ای از عکس‌العمل نیکلسون در قبال این نسخه سخن گفته و تأکید کرده است که او در ذکر اهمیت این نسخه و جایگاه والای آن، کوتاهی کرده است^۱؛ در حالی که بیشتر آنچه در اهمیت این نسخه آورده، به اظهار نظرهای نیکلسون در مقدمه‌های مجلدات 2 و 3 مستند است.

علاوه بر آنچه از نیکلسون نقل کردیم، در مقدمه پورجوادی، بخش‌هایی از مقدمه مرحوم عبدالباقی گولپنیارلی بر ترجمه و شرح ترکی مثنوی (با ترجمه توفیق سبحانی) در توصیف نسخه قونیه آمده که با صرف نظر از قسمت‌هایی که به ظاهر نسخه خطی مربوط می‌شود، نکته‌های مهم آن را در ذیل می‌آوریم:

- از ترقیمه نسخه چنین برمی‌آید که این نسخه به دست یکی از وابستگان یعنی مریدان سلطان ولد به نام محمد فرزند عبدالله قونوی با مراقبت و نظارت حسام‌الدین چلبی و خود سلطان ولد، از روی پیش‌نویس‌هایی که در محضر مولانا قرائت و تصحیح شده، استنساخ شده است.

- انجام کتاب باید مصادف با بیست‌وهشتمین روز یازدهمین ماه سال 677 هـ و یا پنجمین روز دوازدهمین ماه همان سال باشد.

- چنانکه از عبارات مطالبی وقفنامه برمی‌آید، کتاب به سال 678 از طرف یکی از غلامان آزاد شده صاحب عطا فخرالدین علی، وزیر سلجوقی به نام جمال‌الدین مبارک فرزند عبدالله به خانقاه وقف شده است. این نسخه از روی نسخه‌ای استنساخ شده است که در حضور مولانا بازخوانی و تصحیح شده و سپس در حضور خلیفه وی یعنی حسام‌الدین چلبی و خلف او یعنی سلطان ولد با نسخه اصلی مقابله و تصحیح شده است. چنانکه جای‌جای آن با قلمی ریزتر از متن در بالا و پایین کلمات و حاشیه آنها، کلمات تصحیح شده را افزوده و کلماتی ریز و ابیات ناقص را علاوه کرده‌اند.

- به نظر می‌رسد بعد از تصحیح‌ن‌هایی و پاک‌نویس نسخه به این صورت، نسخه‌ای که به دست حسام‌الدین نوشته شده بوده، چون همچنان پیش‌نویس محسوب می‌شده، طبق عادت به خاک سپرده شده باشد؛ بنابراین «نسخه اصلی، نسخه ناظم و نسخه قدیم، همین نسخه است» (مثنوی، چاپ عکسی، 1371، مقدمه، شش - هفت).

شاید نخستین متن مثنوی - البته نه به صورت کامل آن - که در ایران براساس نسخه قونیه به چاپ رسید، متنی بود که در ضمن شرح مثنوی شریف استاد فروزانفر

(1346) درج شده بود. البته چنان که گفتیم درست 40 سال پیش از آن، نیکلسون از طریق ریتر به وجود آن نسخه آگاهی یافته، به اهمیت آن پی برده و در چاپ دفترهای سوم به بعد مثنوی آن را اساس تصحیح خود قرار داده بود؛ اما استاد فروزانفر ضمن اذعان به ارزش و اعتبار تصحیح نیکلسون و ترجیح دادن آن بر تمام تصحیحات و چاپ‌های پیشین مثنوی²، ابیات مثنوی را از روی نسخه قونیه نقل کرده ولی برای سهولت مراجعه، شماره‌گذاری ابیات را براساس نسخه مصحح نیکلسون اختیار نموده است.³

مرحوم سیّد جعفر شهیدی نیز که شرح فروزانفر را ادامه داده و تکمیل کرده است (1373)، متن و ترتیب شماره ابیات، هر دو را براساس چاپ عکسی نسخه قونیه قرار داده است.

توفیق سبحانی که از 1369 به بعد به ترجمه و چاپ «نثر و شرح مثنوی شریف» مرحوم عبدالباقی گولپینارلی اقدام کرد، در چاپ اول از لحاظ ترتیب ابیات، متن گولپینارلی را (که همان نسخه قونیه است) تابع متن نیکلسون گرفته بود. ولی در چاپ دوم، اساس را از جهت متن و ترتیب ابیات، مثنوی مورخ 677 قونیه قرار داد ولی برای آسان کردن مقابله ابیات، همچنان بیت‌شمار متن نیکلسون را در کنار شماره ابیات متن قونیه آورد (گولپینارلی، 1374، 19 و 20 پیشگفتار مترجم).

بعد از انتشار چاپ عکسی نسخه قونیه، مولوی‌شناسان و مدرّسان مثنوی، فرصت به دست آمده را مغتنم شمردند و با انگیزه‌ها و صلاحیت‌ها و احساس مسئولیت‌های متفاوت، چاپ‌های متعدّدی از آن به دست دادند. این چاپ‌ها که غالباً از روی یک نسخه، استنساخ، حروف‌چینی و چاپ، و احياناً با نسخه نیکلسون نیز مقابله شده است، قاعدتاً باید متن یکسانی می‌داشت و بهتر است بگوییم بعد از چاپ و انتشار یکی دو تصحیح، دیگر، تصحیحات و چاپ‌های مجدد لزومی نداشت اما چنانکه خواهیم دید حتی حدود ده سال بعد از انتشار چاپ عکسی و چاپ حروفی نسخه قونیه، کسانی کمر همّت به تصحیح و چاپ مجدد آن بسته‌اند!

برای اینکه میزان دقت و صحت این چاپ‌ها را ارزیابی کنیم، چاپ عکسی را که اساس این چاپ‌ها بوده است، جلو چشم نهاده، قرائت و ضبط ابیات آغازین دفتر اول مثنوی (حدود 1300 بیت) را در همه چاپ‌های مذکور، با آن نسخه مقابله و اختلاف‌های قابل ذکر را یادداشت کرده‌ایم.

معرفی چاپ‌ها

قبل از همه، به معرفی چاپ‌های مورد بررسی و مقابله می‌پردازیم و نکات گفتنی راجع به هر کدام از آنها را یادآوری می‌کنیم. آنگاه موارد جزئی‌تر را با ذکر شماره ابیات می‌آوریم.

1) مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد مولوی (از روی نسخه 677 هـ. ق) به کوشش دکتر توفیق سبحانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول: بهار 1373 (چاپ چهارم: 1379).

توفیق سبحانی که نخستین بار به فکر چاپ مثنوی بر مبنای نسخه قونیه (در ایران) افتاده است، مخصوصاً از چاپ دوم به بعد، متنی بسیار دقیق و پاکیزه و اصیل به دست داده است.

تصحیح وی، پیشگفتاری هفت صفحه‌ای دارد که در آن به تمام ویژگی‌های نسخه اساس، جزئیات تصحیح و تغییرات اعمال شده، به دقت اشاره شده است.

این چاپ از لحاظ شماره ابیات، با نسخه نیکلسون مقابله شده، و در کنار شماره بیت مربوط به نسخه قونیه، شماره همان بیت براساس تصحیح نیکلسون نیز درج شده تا کسانی که می‌خواهند ضبط قونیه را با متن یا شرح نیکلسون مقابله کنند، به زحمت نیفتند؛ همچنین برای تسهیل در مراجعه به چاپ عکسی و احیاناً مطابقت متن چاپی حاضر با آن، شماره صفحات چاپ عکسی نیز در داخل مستطیل کوچکی، قید شده است. از جمله امتیازات این تصحیح، آن است که مصحح به چاپ عکسی سال 1993 ترکیه از همین نسخه که گویا خواناتر و روشن‌تر از چاپ عکسی ایران بوده، دسترسی داشته و در خواندن عنوان‌ها و حواشی ناخوانا از آن سود برده است.

مصحح در مورد حواشی و طریقه نقل آن، چنین توضیح داده است:

حواشی موجود در نسخه دو گونه‌اند: در گونه اول، افتادگی‌ها و اصلاحات را با قید «صح» افزوده‌اند. آنها را با اشاره در پاورقی، وارد متن کرده‌ایم. در گونه دوم، با افزودن نشانه «خ»، نسخه‌بدل‌هایی از نسخه‌های دیگر مثنوی در حاشیه نقل کرده‌اند که آنها را بدون تصرف در پاورقی آورده‌ایم.

در پیشگفتار اطلاعاتی راجع به شماره ابیات دوچاپ قونیه و نیکلسون آمده که نقل آن، خالی از فایده نیست.

تعداد کل ابیات: قونیه 25672 و نیکلسون 25632 بیت دارد (قونیه 40 بیت بیشتر دارد).

دفتر اول ← ق: 4018 ن: 4003 دفتر دوم ← ق: 3822 ن: 3810
 دفتر سوم ← ق: 4811 ن: 4810 دفتر چهارم ← ق: 3855 ن: 3855
 دفتر پنجم ← ق: 4240 ن: 4238 دفتر ششم ← ق: 4930 ن: 4916
 مهم‌ترین ویژگی‌های چاپ توفیق سبحانی که در پیشگفتار بدانها اشاره شده، از این قرار است:

1- رسم الخط نسخه اساس و حرکات مربوط به تلفظ کلمات، حتی الامکان حفظ شده است.

2- از نقطه‌گذاری (جز ویرگول و علامت سؤال و گاهی دو نقطه) حتی الامکان پرهیز شده است.

3- در مواردی که در ضبط کلمات در نسخه اساس دوگانگی وجود دارد (مثل جغد- چغد، پیغامبر- پیغمبر) ضبط متن حفظ شده است.

4- در شیوه نگارش بعضی کلمات مثل «آنک و آنچ و قطره و رفته» املاي امروزی رعایت شده است (آنکه، آنچه، قطره‌یی، رفته‌ای).

2) مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی براساس نسخه قونیه (مکتوب به سال 677 هـ) و مقابله با تصحیح و طبع نیکلسون؛ تصحیح، مقدمه و کشف‌الابیات از قوام‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ اول 1375 (چاپ نهم 1386).

این تصحیح اگر چه هم‌زمان با تصحیح عبدالکریم سروش منتشر شده و به بازار آمده است، گویا کار آماده‌سازی و مراحل چاپش زودتر از آن سپری شده بوده است. تاریخی که بر پایان مقدمه مصحح یادداشت شده، بیست و هشتم مهر ماه 1374 است؛ در حالی که پیشگفتار سروش در دهم اردیبهشت 1375 به پایان رسیده است. در هر حال خرمشاهی در زمان نوشتن مقدمه مذکور، از سه تصحیح دیگر براساس نسخه قونیه با خبر بوده که از آنها، تصحیح توفیق سبحانی در 1373 به بازار آمده بوده⁴ و تصحیح سروش تقریباً هم‌زمان با تصحیح وی منتشر شده و از تصحیح استاد محمدعلی موحد که قرار بوده، انتشارات خوارزمی منتشر کند، همچنان خبری نیست.

یکی از محاسن کار خرمشاهی، این است که او نیز همانند توفیق سبحانی و سروش به چاپ عکسی آنکارا دسترسی داشته و توصیف بهتری از آن چاپ به دست داده است: «چاپ آنکارا در سال 1993 از سوی وزارت فرهنگ ترکیه به شماره 1667 انتشار یافته و مقدمه‌ای نسبتاً مفصل به قلم عبدالباقی گولپینارلی - مولوی‌شناس و مثنوی‌پژوه بزرگ ترک - در معرفی مشروح و مستند این نسخه دارد که به ترکی است و ترجمه انگلیسی آن نیز به صورت ستون‌های متقابل همراه اصل ترکی است.

این چاپ در قطعی بزرگ‌تر از چاپ عکسی تهران - قطع رحلی بزرگ - است. مهم‌تر آنکه چاپ آنکارا بسیار خواناتر از چاپ تهران است و جز [تاریخ] و قفنامه هیچ عنصر یا بخش ناخوانایی ندارد؛ حال آنکه در چاپ تهران، بعضی از عناوین حکایات و موضوعات مثنوی ناخوانا و دیرخوان و دشوارخوان است. مزیت دیگر آن، این است که تمامی تذهیب‌های متعدد آن به واضح‌ترین وجهی از چاپ درآمده است» (همان، 10 و 11).

درباره روش تصحیح، آمده است: مبنای تصحیح همان دو چاپ عکسی تهران و آنکارا بوده و نسخه نیکلسون به لحاظ اهمیت و اعتبار مسلم آن، نسخه‌بدل قرار گرفته و تفاوت‌های آن در حاشیه هر صفحه، ثبت شده است.

در مواردی که در نسخه اصل به علت از قلم‌افتادگی و قلم‌خوردگی، سهو کاتب، ناخوانایی و ... با اشکالی مواجه شدیم، با قید توضیح در حاشیه و با استفاده از نسخه نیکلسون کوشیدیم تا این عیب را برطرف سازیم. در تغییر رسم الخط، تقریباً مثل توفیق سبحانی عمل شده و به حداقل تغییرات اکتفا شده است.

کشف‌الابیاتی که ضمیمه شده، همان کشف‌الابیاتی است که به عنوان جلد چهارم به چاپ امیرکبیر از تصحیح نیکلسون و به اهتمام پورجوادی افزوده شده است؛ البته با اعمال تغییراتی که آن را با نسخه قونیه منطبق کند. تعداد چاپ‌های این تصحیح تا سال 1386 با تعداد چاپ‌های تصحیح سروش برابر بوده که حاکی از مقبولیت آن نزد قاطبه خوانندگان است.

3) مثنوی معنوی براساس نسخه قونیه، به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نخست 1375 (چاپ نهم 1386).

سروش نیز در تصحیح نسخه قونیه به هر دو چاپ عکسی ایران (1371) و ترکیه (1993 م) مراجعه کرده و همه‌جا نسخه مصحح نیکلسون را پیشرو داشته و

اختلاف‌های مهمّ متن مصحّح خود را با متن نیکلسون در پابرها آورده‌است (همان، سی و هفت پیشگفتار).

درباره‌ی روش تصحیح متن چنین آمده است: در قرائت و تصحیح متن نسخه‌ی خطّی، کوشیده‌ایم تا با کمترین تغییرات و بدون هیچ‌گونه نقطه‌گذاری به سبک جدید، متنی بسیار نزدیک به اصل تهیه کنیم. بیشترین جهد و اجتهاد ما مصروف صحیح خواندن کلمات و انتخاب صحیح‌ترین بدیل‌ها شده است. شیوه‌ی ما شاید مبتدیان را در فهم سخن مولانا به زحمت افکند و آنان را در تشخیص مواضع وقف و وصل سخن یا اخباری و استفهامی بودن کلام یاری نکند، اما بی‌شک با اجتهاد آزاد محققان، مزاحمت نخواهد کرد و اصالت و طراوت نیالوده و دست‌نخورده‌ی سخن جلال‌الدین را به آنان ارمغان خواهد نمود (همان، سی و هشت).

سروش نیز در تغییر شیوه‌ی خط کلمات مثل توفیق سبحانی، حدّ وسط را رعایت کرده است؛ یعنی تا جایی که با شیوه‌ی متداول، غرابت محسوسی نداشته، ضبط نسخه‌ی اساس را حفظ کرده ولی در موارد دیگر با ذکر تمام جزئیات، نوع تغییرات ناگزیر اعمال شده در رسم الخط و املا کلمات را با خواننده در میان گذاشته است. در پیوسته‌نویسی و جدانویسی اجزای کلمه‌های مرکب از نسخه پیروی کرده و فهرستی از مهم‌ترین آنها به‌دست داده است.

در پیوسته و جدانویسی «است» نیز چنین کرده است. سروش در حرکت‌گذاری متن و نشان دادن نشانه‌های تلفظی لهجه‌ی خاص آن از نسخه پیروی نکرده و برای تسهیل در قرائت، کسره اضافه را افزوده است.

در آوردن حواشی، در ضمن متن یا انتقال آنها به پابرها، تقریباً همان روش توفیق سبحانی در اینجا نیز اعمال شده است؛ آن‌هایی که علامت «صح» داشته‌اند جایگزین متن شده‌اند و متن به حاشیه برده شده و آن‌هایی که بدون علامت بوده‌اند، فقط به یادآوری آنها در پابرها اکتفا شده است.⁵

4) مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین مولوی براساس نسخه‌ی قونیه به اهتمام محمد سرور مولایی و دکتر عفت مستشارنیا، ناشر: دانشگاه هرمزگان، چاپ اول 1376 (این اثر به چاپ بعدی نرسیده و چاپ اول آن نیز بسیار محدود توزیع شده است).

قسمت عمده مقدمه چهار صفحه‌ای دفتر اول به بیان مبالغه‌آمیز اهمیت و اعتبار نسخه قونیه، اختصاص دارد: اصل نسخه همان است که بر حضرت مولانا خوانده شده و مولانا آخرین تغییرات را در همان وارد کرده است و آنچه در متن و حاشیه به صورت اختلاف کلمات و یا مصراع‌ها و بیت‌ها افزوده شده، از دو نسخه معتبر دیگر بوده است که یکی از آنها نسخه ولدی و دیگری به احتمال زیاد نسخه متعلق به حسام‌الدین چلبی بوده است. همه آنچه در متن و حاشیه این نسخه دیده می‌شود، از خود مولاناست و نمایشگر سیر تنقیح و تصحیح و افزایش‌ها و کاهش‌ها در طول زمان سرایش مثنوی و حیات مولوی است و بدون تردید حتی یک بیت الحاقی نیز در آن وجود ندارد (همان، 6 و 7). این تصحیح به پیشنهاد ریاست وقت دانشگاه هرمزگان برای چاپ جداگانه شش دفتر مثنوی (هر دفتر در مجلدی جداگانه) صورت گرفته و چاپ کامل آن 4 سال طول کشیده است (دفترششم در 1380 چاپ شده است).

درباره شیوه تصحیح، اطلاعات بسیار محدودی به دست داده شده و به نظر می‌رسد که مصححان محترم چارچوب و دستورالعمل از پیش تهیه شده‌ای برای مراجعه در طول کار نداشته‌اند.

«سعی شده است تمامی مشخصات نسخه محفوظ بماند. تمام ابیات حاشیه را که با خط کاتب نسخه نگاشته شده است و به نظر می‌رسد که بسیاری از آنها به هنگام کتابت از قلم افتاده باشد با توجه به علایمی که در متن گذاشته شده است، در جای خودش وارد متن کرده‌ایم و اختلافات کوچک‌تر را که بیشتر به ضبط کلمات و یا پاره‌هایی از مصراع‌ها مربوط می‌شود، با قید شماره ابیات در حاشیه آورده‌ایم» (همان، 8). این نسخه نیز با تصحیح نیکلسون مقابله و اختلاف نسخه‌ها به پایان متن برده شده است. متأسفانه مصححان به چاپ عکسی آنکارا دسترسی نداشته‌اند و طبیعتاً در خواندن بعضی مواضع مبهم، به اشکال برخورده‌اند.

5) مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی براساس نسخه قونیه (همراه با مقدمه، تلفظ، شرح واژگان دشوار و ترجمه عبارات عربی) به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، انتشارات زوار، چاپ اول 1380 (چاپ سوم 1385) برزگر خالقی در پیش‌سخنی که نوشته، اذعان کرده است که قبل از او «استادان بزرگی این کار را کرده‌اند» اما به جای اینکه برای چاپ مجدد خود دلایلی ذکر کند، از آنان تشکر کرده است که ادامه راه را برای او هموار کرده‌اند. البته وی که قبلاً مثنوی

نیکلسون را نیز برای چاپ آماده نموده است! در ذیل عنوان «ویژگی‌های نسخه‌ قونیه و شیوه تصحیح» توضیحاتی داده که غالباً توضیحات مصححان قبلی و معجونی از آنهاست و نکته مهمی ندارد.

در تصحیح متن به هر دو چاپ عکسی تهران و آنکارا دسترسی داشته و از هر دوی آنها سود برده است. همچنین این تصحیح نیز با نیکلسون مقابله و اختلافات مهم در پابرها ذکر شده است.

به زعم مصحح محترم، در نگارش و ویرایش ابیات مطابق شیوه‌ املائی و آوایی امروزی عمل شده و رسم‌الخط و تلفظ قدیم کلمات در مقدمه، فهرست شده است. (6) *مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی براساس نسخه مورخ 1278/677 قونیه، به تصحیح و اهتمام استاد دکتر عدنان قرا اسماعیل اوغلو و دانشیار دکتر دریا اُورس، شهرداری قونیه، آذرماه 1384 (این کتاب در 6 جلد - هر دفتر در جلدی مستقل - و در قطع جیبی با جلد ضخیم و کاغذ نازک و صحافی بسیار خوب به چاپ رسیده است).* پیشگفتار مصححان متن نشان می‌دهد که آنها علاوه بر دو چاپ عکسی، به چاپ‌های توفیق سبحانی و عبدالکریم سروش نیز دسترسی داشته‌اند.

برخلاف چاپ‌های معتبر ایران، در این چاپ «رسم‌الخط و املائی کلمه‌ها، حتی‌المقدور نزدیک به ویژگی‌های املائی فارسی امروز و هماهنگ و یاری‌کننده به خوانندگان است». عبارت‌های عربی و کلمات غریب، معرّب و مشکول شده و برای تسهیل مراجعه به چاپ‌های عکسی شماره برگ‌های نسخه خطی در پایان بیت یا سطر مربوط افزوده شده است.

کلمات و عبارات و مصراع‌ها و بیت‌هایی که بعد از تحریر در حاشیه یا میان سطور صفحات نسخه خطی به منظور اصلاح متن یا علاوه بر متن آورده شده، همه آنها با قید شماره به پی‌نوشت‌های پایان متن منتقل شده است.

مقابله بیت به بیت چاپ‌های ششگانه

همچنان که قبلاً گفتیم ما برای سنجش و ارزیابی میزان دقت و رعایت موازین تصحیح و احساس مسئولیت مصححان نسخه قونیه در قبال خوانندگان، حدود 1350 بیت ابتدای دفتر اول را در 6 نسخه معرفی شده، با چاپ عکسی تهران و مهم‌ترین

اختلافاتشان را استخراج کرده‌ایم. با توجه به اینکه بعد از چند صد بیت آغازین، نسخه‌ها در شماره ابیات با هم اختلاف پیدا می‌کنند، از لحاظ شماره بیت، نخستین تصحیح چاپ شده (چاپ توفیق سبحانی) را اساس قرار داده، بیت‌های مورد اختلاف را عیناً از متن چاپ عکسی نقل و آنگاه اختلاف ضبط‌ها را در ذیل هر کدام می‌آوریم. در نقل ابیات «گ»، «ج» و «پ»‌هایی که به صورت «ک»، «ج» و «ب» نوشته شده‌اند، به صورت اصلی برگردانیده شدند ولی «ذ» ای که در بعضی مواضع به جای «د» نوشته می‌شده، اگر چه در تمام چاپ‌ها به صورت امروزی آن در آمده است، برای نشان دادن اصالت متن حفظ شد.

- 9- آتشست این بانگ نای و نیست باز هر که این آتش ندارد نیست باز
مولایی هر که را «هرکس» ضبط کرده است که در اشتباه بودن آن جای تردید نیست.
- 11- نی حریف هر که از یاری بریزد پرده‌هاش پرده‌های ما دریند
توفیق، سروش، خرمشاهی و مولایی، ضبط پرده‌هاش را (البته با تبدیل پرده‌ها به پرده‌ها) حفظ کرده‌اند ولی برزگر و مصححان چاپ قونیه آن را به پرده‌هایش که منطبق با شیوه خط متداول است، تغییر داده‌اند.
- 12- همچو نی زهری و تریاقی کی دید همچو نی دمساز و مشتاقی کی دید
غیر از سروش، بقیه مصححان «کی» را به «که» تبدیل کرده‌اند.
- 27- با لب دمساز خود گر جفتمی همچو نی من گفتنیها گفتمی
در چاپ مولایی، جفتمی به غلط، جفتی چاپ شده است.
- 39- مرغ جانش در قفص چون می‌طپید داد مال و آن کنیزک را خرید
برزگر و مولایی «قفص» را به «قفس» تبدیل کرده‌اند. علاوه بر آن برزگر «می‌طپید» را نیز به «می‌تپید» تغییر داده است.
- 47- هریکی از ما مسیح عالمیست هرالم را در کف ما مرهمیست
توفیق و سروش، کسره «عالمی» را حفظ کرده‌اند و خرمشاهی و مولایی و مصححان قونیه، هیچ علامتی نگذاشته‌اند. برزگر بر روی «ل» هم فتحه گذاشته و هم کسره تا نشان دهد که به هر دو صورت قرائت می‌شود (در چاپ عکسی تهران، فتحه بر روی «ل» دیده نمی‌شود).
- 64- چونک آید او حکیمی حاذقست صادقش دان کو امین و صادقست

برزگر «حکیمی» را به خطا «حکیم» ضبط کرده است.
برزگر و مصححان قونیه، «است» را از «حاذق» و «صادق» جدا کرده‌اند ولی بقیه مصححان، ضبط نسخه اساس را حفظ نموده‌اند.

68- دید شخصی فاضلی پرمایه آفتابی در میان سایه
توفیق «پرمایه» و «سایه» را به پرمایه‌یی و سایه‌یی تغییر داده و در بقیه چاپ‌ها به پرمایه‌ای و سایه‌ای تبدیل شده است.

عنوان بعد از بیت 77 که در نسخه اساس با قلم قرمز در حاشیه نوشته و با کلمه صح مشخص شده است:

از خداوند ولی التوفیق در خواستن توفیق رعایت ادب در همه حال‌ها و بیان کردن وخامت ضررهای بی ادبی

در چاپ مولایی، «درخواستن» به اشتباه «درخواست» ضبط شده است. توفیق، خرّمشاهی و مولایی در حاشیه اشاره کرده‌اند که عنوان در متن فراموش شده بوده و بعداً در هامش افزوده شده است.

سروش و برزگر بدون هیچ اشاره در حاشیه، عنوان را در متن آورده‌اند. مصححان قونیه، بعد از بیت 77 شماره گذاشته و آن را در پایان دفتر قید کرده‌اند.

82- منقطع شد خوان و نان از آسمان ماند رنج زرع و بیل و داس مان
توفیق «رنج زرع» را «رنج و زرع» ضبط کرده تا نشان دهد که در نسخه خطی هم کسره هست و هم واو عطف تا جوازی باشد برای هر دو قرائت؛ ولی در چاپ عکسی تهران «و» دیده نمی‌شود نه در فاصله رنج و زرع و نه بر روی رنج (به صورت ضمه).
داس مان را خرّمشاهی و برزگر پیوسته و به صورت «داسمان» آورده‌اند ولی در بقیه تصحیح‌ها، ضبط نسخه خطی از لحاظ رسم الخط حفظ شده‌اند.

87- زان گدارویان نادیده ز آز آن در رحمت بریشان شد فراز
توفیق، سروش و مولایی «بریشان» را به همین صورت ضبط کرده‌اند ولی خرّمشاهی، برزگر و مصححان قونیه «برایشان» را کامل آورده‌اند.

90- هر که بی باکی کند در راه دوست ره زن مردان شد و نامرد اوست
توفیق، سروش و مولایی، «ره زن» را حفظ کرده‌اند ولی خرّمشاهی و برزگر و مصححان قونیه آن را پیوسته (رهزن) نوشته‌اند.

94- دست و پیشانیش بوسیدن گرفت وز مقام و راه پُرسیدن گرفت

خرمشاهی و برزگر با گذاشتن ضمّه بر روی «مقام» آنرا مقام خوانده‌اند و تکلیف خواننده را هم در تلفظ آن تعیین کرده‌اند. برزگر همین کار را در موارد دیگر⁶ نیز با همین کلمه (مقام) کرده است؛ از جمله:

675- چونکه شد خورشید و ما را کرد داغ
چاره نبود بر مقامش از چراغ
(673 در چاپ برزگر)

و:

700- کز پس این پیشوا برخاستند بر مقامش نایی می خواستند
(698 در چاپ برزگر)

مقام به معنی محلّ قیام و مطلق محلّ و مکان و درجه و منزلت و رتبه است و مقام به معنی اقامت و محلّ اقامت.

فارسی زبانان مقید بوده‌اند که در شعر و نثر مقام را به معنی جا و مکان و محلّ و موضع بنشانند و مقام را به معنی اقامت کردن.

در فارسی آنجا که مکان و محل را اراده می‌کنیم به هر حالت مقام باید گفت و لاغیر (مینوی کلیله 407 ح به نقل از فرهنگ معین).

حتّی اگر در بیت 94 بگوییم که طبیب از کنیزک محل و مکانش را نپرسیده و از اقامتگاه او سؤال کرده است، مطمئناً در بیت‌های 675 و 700 چراغ را به جای خورشید می‌گذارند و به جای پیشوای درگذشته نایی می‌نشانند. در دو مورد اخیر، مقام خواندن مقام حتماً و قطعاً خطاست و لااقل نیازی به تأکید برای مقام خواندن آن نیست. (در مورد اخیر، فقط برزگر «م» مقام را مضموم آورده است).

... بعد از بیت 101 در حاشیه با قلم قرمز نوشته شده است: بردن پادشاه آن

طیب را بر بیمار تا حال او را ببیند

سروش، مولایی و مصححان قونیه (در پی نوشت) عنوان را به همین صورت آورده‌اند و چون مصححان قونیه حتّی به اصل نسخه دسترسی داشته‌اند در صورتی که بعد از بر، سر اضافه شده بود، آن را می‌آورده‌اند. معلوم نیست در چاپ توفیق، خرمشاهی و برزگر «سر» برای سهولت فهم افزوده شده یا در چاپ عکسی ترکیه بوده است؛ در هر حال در سه چاپ مذکور «بر سر بیمار» آمده است.

110- علّت عاشق ز علّت‌ها جداست
عشق اصطراب اسرار خداست

همه چاپ‌ها املاي اصطراب را حفظ کرده‌اند؛ جز برزگر که آن را به «أسطراب» تغییر داده است.

111- عاشقی گر زین سر و گر زان سرست عاقبت ما را بدان سر رهبرست
برزگر «زین»، «زان» و «بدان» را به ترتیب، به «زاین»، «زان» و «بدآن» تبدیل کرده. خرمشاهی دو مورد اخیر را و چاپ قونیه مورد دوم را مثل او آورده‌اند.
در بقیه چاپ‌ها (توفیق، سروش و مولایی) متن اساس، بدون تغییر، منعکس شده است.
119- خود غریبی در جهان چون شمس نیست شمس جان باقی کش امس نیست
سروش «باقی» و استاد فروزانفر «باقی‌ء» ضبط کرده‌اند ولی بقیه آن را به باقی تبدیل کرده‌اند.

121- لیک شمسی که از او شد هست ائیرنبوذش در ذهن و در خارج نظیر
در حاشیه، مصراع اول به «شمس جان کو خارج آمد از ائیر» اصلاح شده است.
خرمشاهی، مولایی و مصححان قونیه متن را حفظ کرده‌اند و حاشیه را در پاورقی یا پی‌نوشت آورده‌اند ولی توفیق، سروش و برزگر، جای متن و حاشیه را عوض کرده‌اند.
برزگر همچنان نگارش «کو» را به «کاو» تغییر داده تا از کلمه بسیط کو (به معنای کجا) متمایز شود.

132- قال أطعمنی فانی جایی و اعتجل فالوقت سیف قاطع
سروش و برزگر جایی را به جائع تبدیل کرده‌اند ولی در بقیه چاپ‌ها ضبط نسخه حفظ شده است.

137- گفت مکشوف و برهنه گوی این آشکارا به که پنهان ذکر دین
در متن بر روی «برهنه گوی این» نوشته شده بی‌غلول و در حاشیه مصراع دوم بدین صورت اصلاح شده است: باز کو دفعم مدهای بوالفضول
خرمشاهی، مولایی و مصححان قونیه، متن را حفظ کرده و صورت اصلاح شده بیت را به پابریک یا پی‌نوشت پایانی برده‌اند ولی توفیق، سروش و برزگر جای متن و حاشیه را عوض کرده‌اند. نکته گفتنی دیگر این است که برزگر «بی‌غلول» را که در نسخه خطی نیز به طور واضح ثبت شده و در همه تصحیحات نیز بی‌غلول خوانده شده است، ناغلول خوانده و ضبط کرده و در فهرست لغات پایانی نیز آن را «بی‌کم و کاست» معنی کرده است.

خرمشاهی برخلاف ضبط بقیه، در مصراع اول قبل از بی غلول واوی افزوده است که در نسخه خطی نیست: گفت مکشوف و برهنه و بی غلول

138- پرده بردار و برهنه گو که من می‌نخسپم با صنم با پیرهن
در چهار نسخه املا می‌نخسپم حفظ شده ولی مولایی و برزگر آن را به می‌نخسپم تبدیل کرده‌اند. در بیت 213 (می‌ندانند که نخسپد خون من) همین دستکاری تکرار شده است.

152- خار در پا شد چنین دشواریاب خار در دل چون بود واده جواب
153- خار در دل گر بدیدی هر خسی دست کی بوذی غمان را بر کسی
برزگر در هر سه مورد بعد از خار هم ویرگول گذاشته و هم در زیر «ر» کسره گذاشته تا نشان دهد که به هر دو صورت می‌توان خواند و درست است؛ در حالی که در نسخه اساس هیچ نشانه‌ای که ممیز قرائت خاصی باشد و احیاناً تذکر آن، ارزش تاریخی یا زبانی خاصی داشته باشد، نیست. معلوم نیست این تکلف چه حاصلی دارد. آیا شق سوم هم هست که خواننده بتواند به آن صورت بخواند؟ پس گذاشتن یا نگذاشتن آن علایم چه کمکی به خواننده مبتدی یا حتی حرفه‌ای می‌کند؟

مصراع دوم بیت 152 از لحاظ علایم نشانه‌گذاری به صورت‌های زیر چاپ شده است:
خار در دل چون بود واده جواب (سروش و قونیه)
خار در دل چون بود؟ واده جواب (توفیق، خرمشاهی و برزگر)
خار در دل چون بود واده جواب؟ (مولایی)

در قرائت اخیر، جمله امری «واده جواب» جزو جمله پرسشی به شمار آمده است!
162- دوستان و شهر او را برشمرد بعد از آن شهری دگر را نام برد
برزگر دوستان و شهر را بدون هیچ تذکری در حاشیه، به دوستان شهر که ضبط نسخه نیکلسون است، تغییر داده است.

167- نبض او بر حال خود بُد بی‌گزند تا بپرسید از سمرقند چو قند
توفیق سبحانی، علی‌رغم غرابت حرکت «گزند» (ضم "گ") در مقایسه با تلفظ امروز آن، برای حفظ اصالت جزئی‌ترین ضبط‌های نسخه، آن را نگه داشته است.

168- نبض جست و روی سرخ و زرد شد کز سمرقندی زرگر فرد شد
این بیت از چاپ مولایی افتاده است!

172- شاد باش و فارغ و آمین که من آن کنم با تو که باران با چمن
در نسخه مولایی «شادباش» به غلط «شاد باشد» چاپ شده است. تمام نسخه‌ها
ضبط «آمین» را حفظ کرده‌اند.

175- گورخانه راز تو چون دل شود آن مرادت زودتر حاصل شود
در حاشیه با قلم سیاه «خانه اسرار تو» به جای «گورخانه راز تو» به عنوان
نسخه بدل ذکر شده است.

توفیق، خرمشاهی، مولایی و قونیه متن را حفظ کرده‌اند و در حاشیه به ضبط حاشیه
اشاره کرده‌اند ولی سروش و برزگر آن دو را جابه‌جا کرده‌اند و حاشیه را به متن برده‌اند:
خانه اسرار تو چون دل شود...

177- دانه چون اندر زمین پنهان شود سیر او سرسبزی بستان شود
برزگر به جای سیر او، سیر آن آورده است که ضبط نیکلسون است.

185- چونک سلطان از حکیم آنرا شنید پند او را از دل و جان برگزید
این بیت در حاشیه نسخه اساس آمده.

توفیق و مولایی آن را در متن آورده و شماره بیت گذاشته‌اند (اگر چه توفیق آن را
داخل پرانتز گذاشته). بقیه چاپ‌ها آن را به حاشیه برده‌اند. همین باعث شده که شماره
ابیات از این بیت به بعد، اختلاف داشته باشد.

186- شه فرستاد آن طرف یک دو رسول حاذقان و کافیان بس عُدول
روی کلمه شه نوشته‌اند: پس.

توفیق شه را در متن به پس تبدیل کرده ولی بقیه مصححان آن را به حاشیه برده‌اند.

193- اسپ تازی برنشست و شاد تاخت خونبه‌های خویش را خلعت شناخت
جز مولایی و برزگر، بقیه چاپ‌ها «اسپ» را به همان صورت (با پ) باقی گذاشته‌اند.

221- عشق آن بگزین که جمله انبیا یافتند از عشق او کار و کیا
سروش علامت مدّی را که در اصل برای کشیده خواندن «یا» ی انبیا بوده بر روی
همزه آغازین کلمه انبیا فرض کرده و در حاشیه متذکر شده است که: دراصل انبیا (؟)

246- نیم جان بستاند و صد جان دهد آنچ در و همت نیاید آن دهد

خرمشاهی و برزگر (به نظر می‌رسد تحت تأثیر قرائت نیکلسون) نیم جان را «نیم جان» خوانده و ضبط کرده‌اند. در بقیه تصحیح‌ها علامت اضافه نیست. ضمناً غیر از سروش که «آنچ» را به همین صورت حفظ کرده، بقیه آن را به «آنچه» تبدیل کرده‌اند.

249- در خطاب آدمی ناطق بذی در نوای طوطیان حاذق بذی

250- جست از سوی دکان سویی گریخت شیشه‌های روغن گل را بریخت

توفیق گویا لازم دیده است دلیل سراسیمه شدن و از سویی به سویی گریختن طوطی در ضمن ابیات باشد؛ از این رو در فاصله این دو بیت، بیتی را از هامش یک نسخه خطی (نسخه شماره 2020 کتابخانه موزه مولانا) به صورت زیر در پاورقی نقل کرده است:

گر به ای برجست ناگه در دکان بهرموشی، طوطیک از بیم جان

(این بیت به همراه بیتی دیگر در حاشیه نسخه نیکلسون نیز آمده است)

260- جولقییء سر برهنه می‌گذشت با سر بی مو جو پشت طاس و طشت

جز برزگر که طشت را به تشت تبدیل کرده، تمام چاپ‌ها املاي آن را حفظ کرده‌اند⁽⁷⁾.

261- آمد اندر گفت طوطی آن زمان بانگ بر درویش زد چو عاقلان

در بالای عاقلان «کای» آمده و گویا عاقلان را نیز به «فلان» تبدیل کرده‌اند.

سروش، خرمشاهی، مولایی، برزگر و تصحیح قونیه متن را حفظ کرده‌اند و تغییر را به حاشیه برده‌اند.

سروش مصراع دوم را به دو صورت در حاشیه ضبط کرده:

بانگ بر درویش زد کای عاقلان / بانگ بر درویش زد هی عاقلان

خرمشاهی تنها قرائت نخست را در حاشیه ذکر کرده و برزگر و تصحیح قونیه مثل سروش عمل کرده‌اند.

مولایی در حاشیه فقط آورده: زد کای فلان (به اختلال وزن توجهی نکرده)

توفیق در متن آورده: بانگ بر درویش زد که ای فلان

نیکلسون نیز «که هی فلان» ضبط کرده. به سختی می‌توان این قرائت و قرائت آقای سبحانی را از متن قونیه استنباط کرد؛ اگر چه از لحاظ معنی، رساتر از ضبط متن است.

263- از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب دلق را

برزگر کو را در تمام موارد به کاو تبدیل کرده است.

267- گفته اینک ما بشر ایشان بشر ما و ایشان بستۀ خوابیم و خور توفیق و مولایی ضمه خور را که در نسخه بوده حفظ کرده‌اند ولی بقیه آن را به فتحه تبدیل کرده‌اند. سروش از فتحه و ضمه حرکه‌ای نگذاشته.

268- این ندانستند ایشان از عمی هست فرقی در میان بی‌منتهی همه نسخه‌ها، املائی عمی و منتهی را به همین صورت باقی گذاشته‌اند ولی برزگر آن دو را به عما و منتهی تبدیل کرده است.

271- هر دو نی خوردند از یک آب‌خور این یکی خالی و آن پر از شکر مولایی، برزگر و مصححان قونیه، آب‌خور را سر هم (= آب‌خور) نوشته‌اند.
277- جز که صاحب ذوق کی شناسد بیاب او شناسد آب خوش از شوره آب سروش، خرّمشاهی و قونیه «کی» را حفظ کرده‌اند ولی توفیق و مولایی و برزگر، آن را به که تبدیل کرده‌اند.

توفیق، خرّمشاهی و برزگر بعد از شناسد علامت سؤال افزوده‌اند. بقیه بدون علامت سؤال‌اند.

291- مؤمنش خوانند جانش خوش شود و منافق تیز و پرآتش شود

بر روی «تیز»، «گویی» نوشته شده.

توفیق سبحانی حاشیه را با متن جابه‌جا کرده و مصراع دوم را بدین صورت آورده است:
و منافق گویی پرآتش شود. بقیه گویی را در حاشیه ذکر کرده‌اند. متن نیکلسون نیز مثل قرائت منتخب توفیق است. احتمال اینکه توفیق تحت تأثیر نیکلسون، گویی را به متن آورده باشد زیاد است.

293- گر منافق خوانیش این نام دون همچو کزدم می‌خلد در اندرون «کزدم» را سروش و قونیه حفظ کرده‌اند. توفیق آن را به «گزدم» تبدیل کرده و خرّمشاهی، مولایی و برزگر به صورت «کزدم» درآورده‌اند.

299- وانکه این هر دو ز یک اصلی روان برگذر زین هر دو رو تا اصل آن

همه جز مولایی آن را «وانگه» ضبط کرده‌اند و گویا وی تحت تأثیر نیکلسون، «دانکه» خوانده‌است. استاد فروزانفر نیز «وانگه» خوانده‌اند.

301- هر کرا در جان خدا بنهد محک هر یقین را باز داند او ز شک

همه جز مولایی هر یقین خوانده‌اند و ایشان باز تحت تأثیر نیکلسون مر یقین.

307- راه جان مر جسم را ویران کند بعد از آن ویرانی آبادان کند

در حاشیه کلمه «ویرانیش» افزوده شده.

همه به جز توفیق، به «ویرانیش» در حاشیه اشاره کرده‌اند ولی ایشان مصرع دوم را در متن «بعد ویرانیش آبادان کند» آورده و البته در حاشیه توضیح داده که متن در اصل چه بوده است.

315- آن یکی را روی او شد سوی دوست وان یکی را روی او خود روی اوست

برزگر مصرع دوم را بدین صورت آورده: «وان یکی را روی او خود، روی دوست»

(و ممکن است اشتباه چاپی باشد ولی هر چه هست در چاپ سوم نیز اصلاح نشده)

328- گفت استاد احولی را کاندرا زُ برون آر از وثاق آن شیشه را

زو مخفف زود است و در نسخه اساس کاملاً مشخص است که «ز» ضمّه دارد.

مولایی تحت تأثیر نیکلسون «رو» ضبط کرده!

بعد از بیت 400 در داخل گروه (بدون شماره)

چونک نور صبحدم سر بر زند کرکس زرّین گردون پر زند

توفیق سبحانی و خرمشاهی در حاشیه متذکر شده‌اند که نسخه نیکلسون این بیت را

ندارد. معلوم نیست که چرا توفیق این بیت را داخل گروه گذاشته و در شماره‌گذاری

ابیات، آن را نادیده گرفته است.

در متن مولایی، کرگس ضبط شده که احتمالاً غلط چاپی است.

406- کاش چون اصحاب کهف این روح را حفظ کردی یا چو کشتی نوح را

در چاپ مولایی چو در مصرع دوم افتاده است.

418- چونک تخم نسل را در شوره ریخت او بخویش آمد خیال از وی گریخت

در متن به صورت کاملاً واضحی «نسل را» ضبط شده ولی مولایی و برزگر (حتماً باز

تحت تأثیر نیکلسون) آن را به «نسل او» تغییر داده‌اند. مولایی به آخر نسل کسره نیز

گذاشته است (= نسل او)

422- بی‌خبر کان عکس آن مرغ هواست بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست معلوم نیست که برزگر چرا مصراع اول را اینگونه نقطه‌گذاری کرده است: "بی‌خبر کان عکس آن، مرغ هواست"؛ در حالی که آن، صفت اشارهٔ مرغ و وابستهٔ آن است؛ یعنی آن شخص بی‌خبر است که آن سایه، خود مرغ نیست بلکه انعکاس آن مرغی است که در هوا می‌پرد.

448- ناصح دین گشته آن کافر وزیر کرده او از مکر در لوزینه سیر جز توفیق و مولایی بقیه لوزینه را گوزینه ضبط کرده‌اند. نیکلسون نیز لوزینه دارد. متن به طور واضح لوزینه دارد. آنچه مثل سرکشی بر روی «ل» لوزینه قرار گرفته فتحه یا کسره‌ای است که به کلمهٔ دیگری مربوط است و به رنگی متفاوت از متن است.

عنوان بعد از بیت 461: بیان دوازده سبط از نصاری

در متن مولایی «ز» از کلمهٔ دوازده افتاده و برزگر نصاری را به «نصارا» تغییر داده است. 489- در یکی گفته میسر آن بود که حیاتِ دل غدا جان بود مولایی در مصراع دوم «غدا» ضبط کرده. معلوم نیست غلط چاپی است یا خواسته از املائی نسخهٔ اساس پیروی کند!

503- این نمط وین نوع ده طومار و دو بر نوشت آن دین عیسی را عدو این نمط در متن مولایی، وین نمط ضبط شده و حتماً غلط چاپی است. 505- جامهٔ صد رنگ از آن خم صفا ساده و یک رنگ گشتی چون صبا آخرین کلمهٔ بیت را استاد فروزانفر براساس همین نسخه ضیا خوانده است. نیکلسون نیز ضیا دارد. هر شش مصحح آن را صبا خوانده‌اند.

512- پرتو دانش زده بر خاک و طین تا که شد دانه پذیرنده زمین بر روی خاک، آب افزوده‌اند.

جز توفیق که آب و طین را به متن برده، متن همهٔ چاپ‌ها، خاک و طین است و آب را فقط در حاشیه یادآوری کرده‌اند.

518- جان و دل را طاق آن جوش نیست با که گویم در جهان یک گوش نیست همه به درستی مصراع دوم را به همین صورت ضبط کرده‌اند. سروش در حاشیه آورده: در اصل: «یک» را «نک» هم می‌توان خواند. نقطه‌ای که ایشان بر روی «نک»

دیده‌اند، نقطه «ن» جهان است و نقطه‌های «ی» یک افتاده و در این نسخه حذف نقطه کاملاً بدیهی است. «نک» از لحاظ معنی نیز هیچ محملی ندارد.

537- ای بسا گنج‌آکنان گنج‌کاو کان خیال‌اندیش را شد ریش گاو
برزگر کنج‌کاو را پیوسته (= کنجکاو) نوشته.

547- گر جهان پر برف گردد سر بسر تاب خور بگذازدش با یک نظر
«تاب خود» در چاپ مولایی، غلط چاپی است.

531- صدهزاران نیزه فرعون را در شکست از موسی با یک عصا
معلوم نیست چرا سروش، موسی را به حاشیه برده و در متن «موسی» آورده است.
مولانا چون می‌خواهد بگوید که خداوند لشکر قدرتمند فرعون را به نیروی پیغمبری
ضعیف که تنها یک چوبدستی به همراه داشت، شکست داد، موسی را به صورت نکره
آورده؛ یعنی خدا هزاران هزار از آن موسی را در پرده دارد و این تنها یکی از آنهاست (= موسی نوعی). این طرز بیان با سبک مولانا غرابتی ندارد.

533- صدهزاران دفتر اشعار بود پیش حرف امّی اش عار بود
بر روی امّی «آن» افزوده‌اند.

در چاپ برزگر، مصراع دوم در نتیجه غلط چاپی (البته بعد از سه چاپ) به این
صورت درآمده است: «پیش حرف امّی اش آن عار بود». بدیهی است که تمام مصححان
متن را به همان صورت حفظ کرده و حاشیه را در حاشیه یادآوری کرده‌اند.

671- جمله از درد و فراقش در فغان هم شهن و هم مهان و هم کهان
در درون جدول به قلم بسیار ریز افزوده شده است.

این بیت را توفیق بعد از بیت زیر در متن آورده:

خاک او کردند بر سرهای خویش درد او دیدند درمان جای خویش

سروش و برزگر و مصححان قونیه نیز آن را ادامه همین بیت دانسته و در حاشیه به
ذکر آن اکتفا کرده‌اند. خرّمشاهی و مولایی آن را ادامه یک بیت بعد دانسته‌اند و شماره
را بر روی بیت بعدی گذاشته‌اند.

توفیق، سروش، قونیه و برزگر درد و فراقش دارند.

خرّمشاهی خود به دلیل ریزی و ناخوانا بودن خط نتوانسته ضبط بیت را تشخیص
دهد از نیکلسون نقل کرده (درد فراقش) و مولایی آن را داغ و فراقش خوانده است.

681- چون به صورت بنگری چشم تو دو ست تو بنورش درنگر کز چشم رست

در حاشیه «کان یک توست» افزوده شده است.

توفیق سبحانی براساس حاشیه، بیت را در متن بدین صورت اصلاح کرده است:

چون به صورت بنگری، چشمت دُوست تو به نورش درنگر کان یک توست

بقیه به ذکر حاشیه در حاشیه اکتفا کرده‌اند.

719- تیغ چوبین را مبر در کارزار بنگر اول تا نگر دذ کار زار

720- گر بود چوبین برو دیگر طلب ور بود الماس پیش آ با طرب

توفیق: برو (با فاصله) خرّمشاهی، قونیه: برو

بقیه: برو (بدون حرکت). معلوم نیست که آیا توفیق از آن چنین استنباطی داشته

است: اگر شمشیرت چوبین است شمشیر دیگری را به جای آن برگزین. یعنی در حرف

«بر» مفهوم ترجیح و برتری یکی بر دیگری باشد. در نثر بیت نیز مفهومی که بر قرائت

«بر او» دلالت کند، نیست:

- اگر شمشیرت چوبین است، شمشیر دیگری طلب کن ولی اگر برنده است، شادمانه

پیش‌آی (گولپینارلی، 1374، ج 1، 154).

723- گر اناری می خری خندان بخر تا دهد خنده ز دانه او خبر

برزگر دانه او را به «دانه‌ی او» تبدیل کرده تا نگارش با تلفظ مطابقت کند. گویا مولایی

نیز چنین قصدی داشته است ولی در نتیجه اشتباه چاپی «دانه‌ای او» ضبط شده!

744- بعد از این خون‌ریز درمان ناپذیر کاندرا افتاد از بلای آن وزیر

این بیت در نسخه، قبل از عنوان «حکایت پادشاه جهود دیگر کی در هلاک

دین عیسی سعی نمود» آمده.

خرّمشاهی براساس نسخهٔ نیکلسون، آن را به بعد از عنوان، انتقال داده است!

747- سنت بذ کز شه اول بزاذ این شه دیگر قدم بر وی نهاد

در حاشیهٔ این بیت، بیتی با قلم بسیار ریز نوشته شده که سبحانی آن را

چنین خوانده و در حاشیه آورده است:

زانکه هر چه این کند زان گون ستم ز اولین جوید خدا بی‌بیش و کم

سروش، برزگر و قونیه: بعد از این بیت در حاشیه، بیتی هست که ناخواناست.

خرّمشاهی و مولایی اصلاً متذکر وجود بیتی نشده‌اند!

- 756- هر کرا با اختری پیوستگیست مر ورا با اختر خود هم تگیست
مولایی قافیه مصراع اول را پیوستگی و قافیه مصرع دوم را «هم تکی» آورده. بقیه
«هم تگی» ثبت کرده‌اند.
- برزگر و قونیه «است» را از قافیه جدا کرده‌اند ولی بقیه مثل نسخه اساس آن دو را
سر هم نوشته‌اند.
- 762- هر که باشد طالع او زان نجوم نفس او کفار سوزد در رجوم
مولایی به جای زان نجوم (تحت تأثیر ضبط نیکلسون) آن نجوم آورده!
عنوان بعد از 773: آتش کردن پادشاه جهود و بت نهادن پهلوی آتش کی هر که
این بت را سجد کند از آتش برست
- «این بت» را مولایی «آن بت» خوانده است؛ جز او همه «این» ضبط کرده‌اند.
- 774- آن جهود سگ بین چه رای کرد پهلوی آتش بتی بر پای کرد
در چاپ مولایی «سگ» به غلط «سنگ» چاپ شده.
- عنوان بعد از بیت 816: کژ ماندن دهان آن مرد کی نام محمد را صلی الله علیه و
سلم بتسخر خواند.
- برزگر دهان را دهن ضبط کرده است.
- 817- آن دهان کژ کرد و از تسخر بخواند مر محمد را دهانش کژ بماند
بر روی مر محمد در نسخه اساس، نام احمد نوشته شده.
- همه چاپ‌ها در متن مر محمد آورده و نام احمد را در حاشیه ذکر کرده‌اند. توفیق
نام احمد را به متن برده و مر محمد را به حاشیه نقل کرده.
- 820- چون خدا خواهد که پرده کس درد میلش اندر طعنه پاکان ببرد
در متن توفیق قافیه مصرع دوم (حتماً در نتیجه اشتباه تایپیست) «برد» حرکه گذاری
شده است.
- 846- آهن و سنگ ستم بر هم مزن کین دو می‌زایند همچون مرد و زن
بر روی کلمه ستم کلمه صح وجود دارد ولی حاشیه‌ای دیده نمی‌شود.
- خرم‌شاهی و مولایی (بدون اینکه نسخه بدلی در حاشیه ذکر کنند) و قونیه (با قید
هوا به جای ستم در پی‌نوشت‌ها) متن را حفظ کرده‌اند ولی توفیق، سروش و برزگر هوا
را به متن برده‌اند و در پاورقی توضیح داده‌اند.

توفیق نوشته: در متن «آتش⁸ و سنگ ستم...» نوشته‌اند، با گذاشتن علامتی بر بالای «ستم» و با قید «صح»⁹ در حاشیه به «هوا» بدل کرده‌اند.

در چاپ عکسی تهران، هوا در حاشیه دیده نمی‌شود.

846- سنک و آهن خود سبب آمدن ولیک تو به بالاتر نکر ای مرد نیک

در متن «تو به بالاتر نگر» هم «بالاتر نگر» خوانده می‌شود و هم «بالا برنگر». جز مولایی که آن را «به بالابر نگر» خوانده همه بدون هیچ اشاره‌ای در حاشیه «به بالاتر نگر» قرائت و ثبت کرده‌اند.

856- باز آتش می‌خورد از امر حق هر دو سر مست آمدند از خمر حق

بر بالای می‌خورد کلمه‌ای شبیه صح هست ولی در چاپ عکسی تهران، حاشیه‌ای دیده نمی‌شود.

خرم‌شاهی، مولایی و قونیه متن را حفظ کرده‌اند. مولایی که تنها نسخه تهران را در دست داشته، وجود هرگونه حاشیه‌ای را انکار کرده ولی خرم‌شاهی و قونیه «می‌شود» را در حاشیه آورده‌اند.

توفیق، سروش و برزگر جای می‌خورد و می‌شود را در متن و حاشیه عوض کرده‌اند. نیکلسون هم «می‌شود» دارد.

865- همچنین باد اجل با عارفان نرم و خوش همچون نسیم یوسفان

در زیر یوسفان با همان قلم متن نوشته شده: گلستان

جز توفیق که گلستان را به متن آورده و یوسفان را به حاشیه برده، همه یوسفان را در متن حفظ کرده‌اند و گلستان را در حاشیه ذکر کرده‌اند.

871- هست تسبیحت بخار آب و گل مرغ جنت شد ز نفع صدق دل

نفع در متن بدون نقطه بر روی «خ» آمده ولی توجه به معنی و اشاره‌ای که به دمیدن عیسی به مرغ گلی و زندگی یافتن آن در بیت قبل دارد، تقریباً مطمئن می‌کند که منظور نفع است ولی دقتی در تعداد نقطه‌ها نشده است.

توفیق و خرم‌شاهی آن را نفع ضبط کرده‌اند و بقیه نفع.

استاد فروزانفر هم نفع ضبط کرده¹⁰ ولی نیکلسون نفع دارد.

در متن نثر و شرح مثنوی شریف هم **نفع** ضبط شده¹¹ ولی در نثر بیت **نفعه** آمده: سبحان الله گفتن تو، بخاری از آب و گل بود که از **نفعه** صدق دل به شکل مرغ بهشتی درآمد.¹²

872- **کوه طور** از نور موسی شد برقص صوفی کامل شد و رست او ز نقص در چاپ مولایی در نتیجه اشتباه حروفچین «کوه طور»، «کو طور» چاپ شده.
904- از **کلیله بازجو** آن قصه را واندران قصه طلب کن حصه را مولایی به جای بازجو، بازخوان ضبط کرده. بازخوان در نسخه‌بدل‌های نیکلسون آمده ولی در نسخه اساس قونیه رد پای از آن نیست. به احتمال تأثیر حافظه بوده.
905- **طایفه نخچیر** در وادی خوش بوذشان از شیر دایم کش مکش نخچیر را مولایی و برزگر به نخچیر تبدیل کرده‌اند و بقیه (مانند نیکلسون) ضبط نخچیر را اختیار کرده‌اند.

قونیه کش مکش را سرهم نوشته (= کشمکش)

910- من هلاک فعل و مکر مردمم من گزیده زخم مار و **کزدمم** کزدم را سروش و قونیه همچنان حفظ کرده‌اند. خرمشاهی و برزگر آن را کژدم ضبط کرده‌اند. توفیق نیز آن را گزدم آورده. تا اینجا ضبط نسخه‌ها با ضبط نخستین این کلمه در بیت 293 همخوانی دارد ولی مولایی که در بیت 293 آن را کژدم ضبط کرده بود در این بیت آن را گزدم آورده!

912- گوش من لا یلدغ المومن شنید قول پیغامبر بجان و دل گزید جز چاپ قونیه که پیغامبر در آن به پیغمبر تبدیل شده، بقیه، ضبط نسخه اساس را حفظ کرده‌اند.

946- هان مخسب ای **کاهل** بی‌اعتبار جز به زیر آن درخت میوه‌دار

برروی کاهل نوشته شده: جبری

جز خرمشاهی که «جبری» را به متن برده و کاهل را به حاشیه، تمام نسخه‌ها، «کاهل» را در متن حفظ کرده‌اند.

عنوان بعد از 975: باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن. (را در متن بسیار کم‌رنگ افتاده)

مولایی «را» ی بعد از فواید جهد را انداخته است.

986- مکر آن باشد که زندان حفره کرد آنک حفره بست آن مکریست سرد

987- این جهان زندان و ما زندانیان حفره کن زندان و خود را وارهان

با توجه به «حفره کرد» که مصدر آن «حفره کردن» و فعل امر آن «حفره کن» می‌شود، هیچ توجیهی برای قرائت دیگری از حفره کن وجود ندارد. مصححان قونیه «کن» را فعل امر از کندن گرفته و بر روی «ک» فتحه گذاشته‌اند که غلط است.

988- چیست دنیا از خدا غافل بدن نه قماش و نقده و میزان و زن

مولایی به جای غافل بدن، غافل شدن دارد!

989- مال را کز بهر دین باشی حمول نعم مال صالح خواندش رسول

بالای دین نوشته شده: حق

توفیق حق را به متن برده و دین به حاشیه. بقیه متن را حفظ کرده‌اند.

990- آب در کشتی هلاک کشتی است آب اندر زیر کشتی پستی است

معلوم نیست چرا مصححان قونیه بر روی «ت» در کشتی و پستی فتحه گذاشته‌اند.

1000- قسم هر روزش بیاید بی جگر حاجتش نبوذ تقاضای دگر

سروش و قونیه «تقاضای» ضبط کرده‌اند و بقیه «تقاضایی».

1008- از فلک راه برون شو دیده بود در نظر چون مردمک پیچیده بود

به نظر می‌رسد که با قلم دیگر «از» را به «کز» اصلاح کرده‌اند.

مولایی و قونیه «از» را در متن حفظ کرده‌اند ولی بقیه «کز» را ضبط اصلی و درست تلقی نموده‌اند و «از» را به حاشیه برده‌اند.

خرم‌شاهی «از» را حتی در حاشیه نیز نیاورده است.

1023- چند صورت آخر ای صورت پرست جان بی‌معنیت از صورت نرست

سروش و قونیه علامت سؤال ندارند. مولایی در آخر هر دو مصراع علامت سؤال

گذاشته و توفیق و خرم‌شاهی و برزگر در آخر بیت.

لحن سؤال از کلمات مصراع اول پیداست و نیازی به علامت سؤال نیست و مصراع

دوم بدون اینکه پرسشی خوانده شود کاملاً درست است. هر دو مصرع متضمّن مفهوم

توبیخ و تنبیه است. مصراع اول، همان را با لحن پرسشی ادا کرده است و مصراع دوم با

لحن اخباری.

- 1034- رو تو روبه‌بازی خرگوش بین مکر و شیراندازی خرگوش بین در متن مولایی بین دو جزء روبه فاصله افتاده و خواندن متن را دشوار کرده است. (= رو به)
- 1052- در بیان این سه کم جنبان لبث از ذهاب و از ذهب وز مذهب ذهاب را خرّمشاهی و برزگر به فتح «ذ» مشکول کرده‌اند و توفیق و قونیه به کسر «ذ». سروش و مولایی بدون علامت آورده‌اند.
- 1056- مشورت دارند سرپوشیده خوب در کنایت با غلط‌افکن مشوب غلط‌افکن را خرّمشاهی غلط افکن ثبت کرده و بقیه غلط‌افکن.
- 1063- دمدمه ایشان مرا از خر فکند چند بفریذ مرا این دهر چند مولایی «دمدمه» به «دمدمه‌ای» تبدیل کرده که وزن بیت اجازه نمی‌دهد بدان صورت قرائت شود. ممکن است اشتباه چاپی باشد. خرّمشاهی اینجا نیز «فگند» ضبط کرده.
- 1065- راه هموارست زیرش دامها قحط معنی در میان نامها
- 1066- لفظها و نامها چون دامهاست لفظ شیرین ریگ آب عمر ماست چنانکه معلوم است در نسخه اساس نامها در بیت نخست و دامها در بیت دوم مشکول است و در هر دو مورد روی «م» فتحه گذاشته شده. توفیق فتحه نامها را حفظ ولی فتحه دامها را حذف کرده است.
- 1070- چون معلّم بود عقلش زابتدا بعد از این شد عقل شاگردی ورا متن هیچ حرکتی برای «ورا» ندارد قونیه آن را «ورا» خوانده و مشکول کرده است.
- 1086- بر هوا تاویل قرآن می‌کنی پست و کژ شد از تو معنی سنی سنی به معنی بلند است. همه چاپ‌ها بر روی «س» فتحه گذاشته‌اند ولی گویا آن فتحه در چاپ مولایی اشتباهاً به تشدید بر روی «ن» تبدیل شده و سنی را به سنی تبدیل کرده!
- 1093- صاحب تاویل باطل چون مگس و هم او بول خر و تصویر خس در نسخه اساس به صورت کاملاً آشکار بر روی «ر» تصویر علامت سکون گذاشته تا با اضافه قرائت نشود. در بیت «آن مگس بر برگ کاه و بول خر / همچو کشتیبان همی

افراشت سر» از برگ کاه و بول خر سخن گفته شده، در بیت ما نحن فیه، خس به جای برگ کاه است.

غیر از مولایی و مصححان قونیه که سکون را به کسره تبدیل کرده و آن «تصویر خس» خوانده‌اند، بقیه سکون را به درستی حفظ کرده‌اند.

1097- شیر می‌گفت از سر تیزی و خشم کز ره گوشم عدو بر بست چشم
مولایی کسرهٔ زیر «ره» را به صورت همزه‌ای بر روی آن نشان داده، کاری که باهای غیرملفوظ می‌کنند: کز ره گوشم!

1100- بر دران ای دل تو ایشان را مه‌ایست پوستشان برکن کشان جز پوست نیست

توفیق و مولایی کسرهٔ بردران را که در نسخهٔ اساس هست حفظ کرده‌اند ولی خرّمشاهی آن را به فتحه تبدیل کرده و بردران خوانده. بقیه بدون حرکت‌اند.

1101- پوست چه بود گفته‌های رنگ‌رنگ چون زره بر آب کش نبود درنگ
توفیق و مولایی گفته‌های رنگ‌رنگ ضبط کرده‌اند و بقیه گفته‌های رنگ‌رنگ.

1111- نام احمد نام جملهٔ انبیاست چونک صد آمد نود هم پیش ماست
علامت اضافه بر روی «جملهٔ» را همهٔ چاپ‌ها غیر از مولایی حفظ کرده‌اند.

1128- چونک شب آن رنگها مستور بود پس بدیدی دید رنگ از نور بود
مولایی مصراع دوم را به این صورت ضبط کرده است: پس بدیدی رنگ او از نور بود!

1138- پس به ضدّ نور دانستی تو نور ضدّ ضد را می‌نماید در صدور
مولایی مصراع اوّل را بدین صورت ضبط کرده است: چون به ضدّ نور دانستی تو نور!

1154- طالب این سر اگر علّامه‌ایست نک حسام‌الدّین که سامی نامه‌ایست
در چاپ مولایی «سامی‌نامه» به اشتباه «سامی‌نامی» چاپ شده است.

1187- هم ترا و هم شهت را بر درم گر تو با یارت بگردید از درم
قافیه مصراع اوّل را توفیق مطابق نسخهٔ اساس «درم» ضبط کرده ولی برزگر آن را «درم» حرکه گذاشته. بقیه حرکه‌ای نگذاشته‌اند.

1194- پشهٔ نمرود را با نیم پر می‌شکافد بی‌محابا درز سر
در چاپ برزگر بین «در» و «ز» فاصله افتاده و قرائت و معنی را مختل کرده است. توفیق کسرهٔ «نمرود» را حفظ کرده است.

1217- چون بیايد برده را از خواجه

عرضه دارد از هنر دیباجه

مولایی و برزگر، دیباجه را دیباجه ثبت کرده‌اند.

1220- گفت ای شه یک هنر کان کهترست بازگویم گفت کومه بهترست

هدهد به سلیمان می‌گوید: شاها [اگر اجازه می‌دهید] یک هنر کوچک خود را برای شما بیان کنم؛ گفته و سخن، کومه باشد بهتر است و سلیمان در بیت بعد می‌گوید: گفت: برگو تا کدام است آن هنر/ گفت: من آنکه که باشم اوج بر...

همه مصححان جز برزگر بر روی گفت در مصراع دوم سکون گذاشته‌اند. برزگر بعد از گفت دو نقطه گذاشته و آن را فعل گرفته که گوینده‌اش سلیمان است و «کومه بهتر است» سخن اوست؛ در حالی که بلافاصله در اول بیت بعد نیز «گفت» آمده و بعد از آن سخن سلیمان.

1222- بنگرم از اوج با چشم یقین من بینم آب در قعر زمین

تا کجایست و چه عمقستش چه رنگ از چه می‌جوشد ز خاکی یا ز سنگ
در این دو بیت هیچ سؤالی مطرح نشده است که کاربرد علامت سؤال را ایجاب کند. هدهد می‌گوید که من از اوج می‌توانم بینم که آب در ژرفای زمین از کجا تا کجاست و چقدر عمق دارد و چه رنگی است و از چه می‌جوشد. خرّمشاهی در آخر هر دو مصراع بیت دوم علامت سؤال گذاشته. مولایی در آخر بیت و توفیق و سروش و قونیه، هیچ علامت سؤالی ندارند و برزگر بیت دوم را چنین نقطه‌گذاری کرده است:

تا کجایست و؟ چه عمق استش؟ چه رنگ؟ از چه می‌جوشد ز خاکی یا ز سنگ؟

1224- ای سلیمان بهر لشکر گاه را در سفر می‌دار این آگاه را

در چاپ مولایی ای سلیمان به یا سلیمان تبدیل شده است!

1229- چون گرفتار آمدی در دام او جون قفص اندر شندی ناکام او

مولایی و برزگر قفص را به قفس تبدیل کرده‌اند.

1242- هر که اول مؤمنست اول بدید هر که آخر کافر او را شد بدید

بر روی کلمه اول در آغاز بیت با همان قلم متن نوشته شده: آخر.

توفیق و خرّمشاهی آخر را به متن برده‌اند و در حاشیه، متذکر شده‌اند. مولایی آخر را به متن برده و در حاشیه هیچ اشاره‌ای نکرده است. سروش، برزگر و قونیه اول را در متن حفظ کرده‌اند و آخر را در حاشیه آورده‌اند.

1252- چون ملک انوار حق در وی بیافت در سجود افتاد و در خدمت شتافت بر روی «چون» علامتی شبیه صح آمده و در حاشیه «دیدند از» و «در سجده برو» یادداشت شده است.

توفیق سبحانی در حاشیه توضیح داده است که: در حاشیه راست به خط بد و قید «خ» بیتی به عنوان نسخه بدل افزوده‌اند که چنین است:

آن ملایک نور حق دیدند ازو جمله افتادند در سجده به رو

سروش و برزگر و قونیه در حاشیه به جای آن ملایک، چون ملایک آورده‌اند. مولایی تنها به ذکر کلماتی که در حاشیه نسخه چاپ عکسی ایران دیده می‌شود و کلمات قابل جابه‌جایی بیت را نشان می‌دهد آورده و خرّمشاهی هیچ نسخه‌بدلی نیاورده! به نظر می‌رسد آن ملایک در پاورقی توفیق، اشتباه چاپی باشد.

1260- پس قضا ابری بوذ خورشیدپوش شیر و اژدرها شود زو همچو موش

بر روی پس، این نوشته شده. توفیق پس را در متن با «این» جابه‌جا کرده است.

1275- گفت پیغامبر بتمییز کسان مرء مخفی لَدَى طَى اللّسان

مولایی طَى اللّسان اعراب گذاشته!

1285- ماه کو افروذ زاختر در جمال شد ز رنج دِقّ او همچون خیال

در برزگر احتمالاً در نتیجه اشتباه چاپی، دِقّ خیال ضبط شده است.

1286- این زمین با سکون با ادب اندر آرد زلزلهش در لرز تب

توفیق، خرّمشاهی، برزگر و قونیه «لرز تب» خوانده و ضبط کرده‌اند. سروش حرکت ن گذاشته و مولایی به سکون «ز» خوانده «لرز تب»

1290- آتشی کو باذ دارد در بروت هم یکی باذی برو خواند یموت

در چاپ مولایی مصرع دوم بدین صورت ضبط شده است: «هریکی باذی برو خوانده یموت».

در نسخه اساس برروی «د» در «خواند» علامت سکون گذاشته تا اشتباه خوانده نشود ولی آن نیز مانع سهو در قرائت نشده.

تبدیل «هم» به «هر» احتمالاً اشتباه چاپی است.

نتیجه

نتیجه مقابله نشان می‌دهد که مولایی (با 14 مورد)، بیشترین خطای در ضبط را دارد و برزگر (با 7 مورد) از این جهت بعد از آن قرار می‌گیرد. بیشترین تغییر در املا و شیوه خط کلمات (با 35 مورد) به چاپ برزگر تعلق دارد و مولایی (با 15) و چاپ قونیه (با 14) و خرمشاهی (با 11 مورد) در مرتبه بعد قرار دارند. مولایی با (13 مورد) غلط چاپی که یک مورد آن افتادن کامل یک بیت (بیت 168) از متن است، بی‌دقت‌ترین چاپ از روی نسخه قونیه محسوب می‌شود و برزگر (با 4 مورد) بعد از آن است. برزگر در 6 مورد ضبط نیکلسون را جایگزین نسخه قونیه کرده است که از نظر شیوه و آیین تصحیح نسخ خطی توجیهی ندارد. برزگر در گذاشتن حرکات کلمات و به کار بردن علایم سجاوندی (که بعضی از آنها، از اشتباه در قرائت کلمات ناشی می‌شود) به افراط گراییده است. مولایی و خرمشاهی از این جهت در مراتب بعدی قرار دارند. توفیق سبحانی در نقل حواشی به متن و بالعکس (با 16 مورد)، در اعمال تغییراتی که به زعم او اصالت و صحت بیشتری نسبت به متن داشته‌اند، کوشیده است و سروش و برزگر (با 7 و 6 مورد) از این جهت بعد از او قرار دارند و با احتیاط بیشتری عمل کرده‌اند. برزگر در چند مورد دو قرائت از متن به دست داده که نوعی تکلف و لزوم مالا یلزم محسوب می‌شود و عملاً کمکی به خواننده نمی‌کند؛ بنا بر این، در مجموع چاپ‌های سروش و توفیق سبحانی از دقت، اصالت و اعتبار بیشتری برخوردارند و چاپ خرمشاهی از این لحاظ بعد از آن دو قرار دارد. با توجه به اینکه این سه چاپ از نظر زمانی بر چاپ‌های دیگر تقدم داشته‌اند، به نظر می‌رسد که توجیه و ضرورتی برای تصحیح و چاپ مجدد مثنوی بر مبنای تک نسخه قونیه نبوده و وجود چاپ‌های متعدد جز سردرگمی دانشجویان و علاقه‌مندان مولوی حاصلی نداشته است. البته چاپ شهرداری قونیه چون برای پاسخگویی به نیاز جهانگردان و زائران و بازدیدکنندگان آرامگاه و موزه مولانا و مخاطبان دیگر در کشور ترکیه منتشر شده است، از این حکم مستثناست.

پی‌نوشت‌ها

1- نیکلسون... در واقع تا حدودی از ذکر اهمّیت این نسخه و جایگاه والای آن در میان همه نسخه‌های موجود **کوتاهی** کرده است (مثنوی، چاپ عکسی، 1371، مقدمه، چهار). نیکلسون که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته، ناچار از ذکر اهمّیت نسخه قونیه آن طور که باید و شاید **خودداری** کرده است، باز هم در لابه‌لای سخنان خود، نکاتی را یادآوری کرده است (همان).

2- در آغاز کار، چاپ مشهور علاءالدوله را در دسترس داشتم، مشکلات بسیار یافتیم که حلّ آن برایم سخت دشوار می‌افتاد؛ زیرا طبع مذکور با وجود مزایایی که بر اکثر چاپ‌های ایران و هند دارد، اغلاط و تصحیف فراوان و اشعار اضافی در آن راه یافته است. از این رو در 1321 این نسخه را با مثنوی خطی به تصحیح عبداللطیف عباسی که در دو نوبت مثنوی شریف را از روی هشتاد نسخه - به گفته خود- تصحیح کرده است، مقابله کردم و باز هم چنانکه باید گرهی از کار گشوده نگشت. سپس نسخه چاپ لیدن را که به اهتمام استاد فقید و گرنامه‌ی، رینولد نیکلسون از محققین بزرگ به طبع رسیده است با چاپ علاءالدوله برابر فروخواندم و موارد اختلاف را در حاشیه قید کردم و بدین نتیجه رسیدم که بهترین چاپ، همان طبع لیدن است که با رعایت کمال دقّت و امانت از روی نسخه‌های قدیم چاپ شده و کوششی که پیشتر در مقابله کرده بودم، چندان سودمند نبوده است (فروزانفر، 1373، هفت و هشت مقدمه)

3- ابیات مثنوی را از روی نسخه موزه قونیه مکتوب در رجب 677 نقل کرده‌ام. این نسخه از روی نسخه اصلی مثنوی که در حضور مولانا و حسام‌الدین حسن چلبی می‌خوانده‌اند کتابت شده و صحیح‌ترین نسخ است.

شکل و حرکات کلمات را مطابق این نسخه که به احتمال قوی تابع تلفظ و طرز ادای مولاناست و نیز نسخه چاپ لیدن آورده‌ام.

عکس این نسخه را وزارت معارف ترکیه برای این ضعیف فرستاده است (همان، چهارده).

4- «از این تصحیح»، در تصحیح حاضر در موارد دشوارخوان سود برده‌ایم.

5- عنوان‌هایی را که علامت «صح» دارد، به متن آورده‌ایم؛ بی‌آنکه در پابرج توضیح دهیم و عنوان‌هایی را که در حاشیه عنوان اصلی یا زیر عنوان اصلی آمده است و علامت

«صح» ندارد یا در پابرج آورده‌ایم یا در متن زیر عنوان اصلی آورده‌ایم و در پابرج توضیح داده‌ایم. اگر کلمه‌ای با همان قلم عنوان، به عنوان افزوده شده، توضیحی درباره آن نداده‌ایم.

توضیح مربوط به ابیات و مصراع‌ها و عبارت‌ها نیز تقریباً همان است (همان، چهل و چهار و چهل و پنج پیشگفتار)

6- از جمله در این بیت:

159- با حکیم او قصه‌ها می‌گفت فاش از مقام و خواجگان و شهر و باش

290- هر یکی سوی مقام خود رود هر یکی بر وفق نام خود رود

7- و نیز 1116:

تا نشد پر بر سر دریا چو تشت چونکه پر شد تشت در وی غرق گشت

8- آهن درست است. آتش غلط چاپی است.

9- به اشتباه تشدید روی «ص» افتاده که باید روی «ح» می‌بود: صح

10- فروزانفر، شرح مثنوی شریف، جزو اول ص 328.

11- گولپینارلی، نثر و شرح مثنوی شریف، ج 1، ص 180.

12- همان، ص 185.

منابع

- 1) مولوی بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. 1363، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، به اهتمام نصرالله پور جوادی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- 2) _____ . 1373، (چاپ اول) مثنوی معنوی (از روی نسخه 677 هـ ق) به کوشش دکتر توفیق سبحانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (چاپ چهارم 1379).
- 3) _____ . 1375، (چاپ اول) مثنوی معنوی براساس نسخه قونیه (مکتوب به سال 677 هـ) و مقابله با تصحیح و طبع نیکلسون، تصحیح، مقدمه و کشف‌الابیات از قوام‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان (چاپ نهم 1386).
- 4) _____ . 1375، (چاپ اول) مثنوی معنوی براساس نسخه قونیه، به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ نهم 1386).
- 5) _____ . 1376، (چاپ اول) مثنوی معنوی (براساس نسخه قونیه) به اهتمام محمد سرور مولایی و دکتر عفت مستشارنیا، دانشگاه هرمزگان، (این اثر به چاپ بعدی نرسیده است).
- 6) _____ . 1380، (چاپ اول) مثنوی معنوی براساس نسخه قونیه (همراه با مقدمه، تلفظ، شرح واژگان دشوار و ترجمه عبارات عربی) به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، انتشارات زوآر (چاپ سوم 1385).
- 7) _____ . 1384، مثنوی معنوی (براساس نسخه قونیه مورخ 677/1278)، به تصحیح و اهتمام استاد دکتر عدنان قرا اسماعیل اوغلو و دانشیار دکتر دریا اُرس، شهرداری قونیه.
- 8) فروزانفر، بدیع‌الزمان. 1373، (چاپ هفتم) شرح مثنوی شریف، تهران، انتشارات علمی فرهنگی